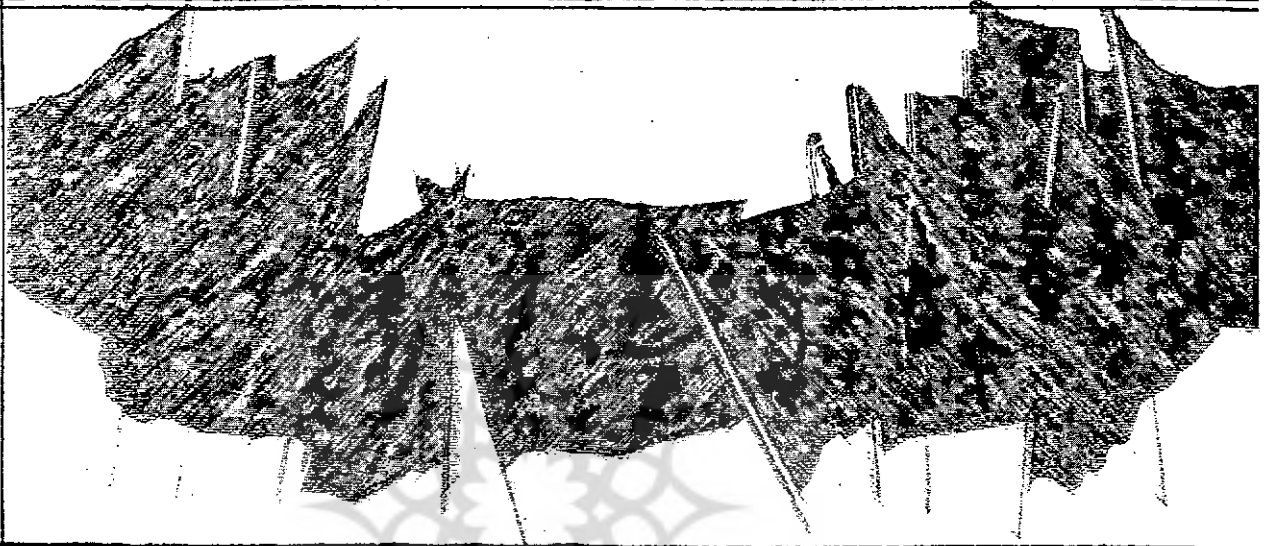


# شخصه‌های شعر ولایی

جواد کلیدری



شعر فارسی، برخاسته از روح پرستنده آدمی و جوشش فکرت بکر انسان است که زیباترین جلوه‌های ارزش و کرامت انسانی را در خود دارد

سرودن اشعار ولایی یکی از افتخارات شاعران متعهد ما بوده است. اما در اینجا به نقل دو حدیث از امام رضا(ع) بسنده می‌کنم که در باب اهمیت کار شاعر فرموده شده است:

«هیچ شاعر مؤمنی در حق ما شعری نگوید که ما را با آن ستایش و مدح کند، مگر این که خدا برایش در بهشت، جایگاهی سازد که هفت مرتبه از دنیا بزرگ‌تر و فراخ‌تر باشد و تمام فرشتگان مقرب و پیامبران صاحب رسالت در آن جایگاه زیارتش کنند.»

رسول خدا و علی و فاطمه و حسنین را در خواب دیدم و مردی را دیدم که ایستاده بود و قصیده می‌خواند. به رسول خدا(ص) سلام کردم و همچنین به امر پیامبر(ص) به پدرم، علی(ع) و مادرم، فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) سلام کردم. سپس رسول خدا(ص) به من فرمود: و نیز سلام کن بر شاعر و ستایشگر ما در سرای دنیا، سیداسماعیل حمیری. پس به او هم سلام کردم...

شاعران متعهد و با ذوق شعر دینی و به‌خصوص شیعی، در سخت‌ترین شرایط روزگار، سخن خود را به گوش اهل ادب رسانده‌اند. «این دسته از شاعران، همیشه در مخاطره بودند و شعر برای تبلیغ عقیده خود می‌سروده‌اند، نه برای سر و سامان دادن دنیای خویش.»

در شعر دوره جاهلی عرب، که بهترین هنرشان هم محسوب می‌شد، مضامین بسیار سطحی همچون رنگ و نژاد و قبیله و مدح امرای سرزمین و... جلوه‌گر بود. اما با ظهور اسلام و توجه پیامبر اسلام(ص) به این شیوه سخن‌سرایی، مضامین دیگری چون تقوی، ایمان به خدا، عدالت، حکومت امام عادل و منقبت و مرثیه امامان و پیشوایان به‌حق در شعر عرب جاری

شعر، جان کلام است، سخته و پخته. شعر، شور است. شوری که از آغاز در سرشت آدمی تعبیه شده است. شعر پارسی میراث ملی ماست. درختی تناور با شاخ و بال‌های گسترده و رفیع. نمایی بلند از کاخ باشکوه هویت ایرانی. شعر فارسی ستون فقرات فرهنگ ایرانی است و بیشترین سهم را در تاریخ زندگی ایرانیان دارد و به همین دلیل است اگر در هر دوره‌ای که شعر، دوران طلایی خود را سپری می‌کرده است، علم، اخلاق، فلسفه و به طور کلی تاریخ ما هم از جلوه روشنی برخوردار است.

شعر فارسی، برخاسته از روح پرستنده آدمی و جوشش فکرت بکر انسان است که زیباترین جلوه‌های ارزش و کرامت انسانی را در خود دارد. شعر مذهبی - ولایی فارسی در این گستره عظیم که ذکر شد، همواره یکی از دغدغه‌های شاعران ایرانی بوده است. با پیوستن این جریان به رودخانه شعر فارسی، غنای ادبیات ما بسیار افزوده شد تا آنجا که به راحتی می‌توان گفت شعر فارسی والاترین میراث هزار ساله فرهنگ اسلامی است.

شعر ولایی حاصل دل‌دادگی و عشق و پیوند ذهنی و قلبی شاعران نسبت به دودمان پیامبر اکرم(ص) است.

خداوندگاران سخن فارسی، این تفکر مذهبی را همواره یکی از محورهای ناب اندیشه خود می‌دانسته‌اند و چه‌بسیار شعرهای نغزی که بر کلام دلنشین ایشان جاری شده است.

کاش شاعر یا محقق سخت‌کوشی پیدا می‌شد و با بررسی میراث عظیم شعر فارسی آشکار می‌نمود که شاعران ایرانی چه گنجینه عظیم و سرشاری آفریده‌اند. نیازی نیست که در باب اهمیت شعر و تأثیر سخن و شعر دینی بر جان مخاطبان، سخنی بیاوریم که اظهر من الشمس است و از دیر باز،



شماره ۶۳  
آزمایه ۱۳۸۷

شد. تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) خطاب به شاعران فرمود: «شعر شما در آنان (کفار) کارگتر از تیر تیراندازان است.»

دکتر سیدجعفر شهیدی در این باره می‌گوید: «با گسترش اسلام و با نزول بعضی آیه‌های قرآن کریم و ارشاد پیغمبر (ص) اندک اندک، شمار شعرهای مدحی و هجایی که رنگ نژاد و قبیله داشت، کاهش یافت و سروده‌ها رنگ مسلمانی و اخلاق انسانی به خود گرفت.»

با مقدمه نسبتاً مفصلی که درباره شعر به‌طور عام و شعر دینی به‌طور خاص آورده شد، وارد موضوع اصلی، یعنی مشخصه‌های شعر ولایی می‌شویم. برای ذکر این ویژگی‌ها و روشن تر شدن بحث، لازم است به جلوه‌های بارز و برجسته شعر ولایی اشاره‌ای بنماییم.

همان‌طور که اشاره شد، شعر ولایی یکی از دغدغه‌های شعری شاعران متعهد و مکتبی بوده است که نمونه‌های برجسته و بی‌مثالی نیز در تاریخ ادبیات عرب و فارسی دارد.

قصیده برده از شرف الدین محمد سعید بوسیری مصری شاعر حدود سال ۶۹۵ هجری قمری، از آن نمونه است: «محمد سید الکونین و الثقلین و القریقین من عرب و من عجم» و شعر فرزدق، دعبل خزاعی، سیداسماعیل حمیری، ابوالاسود دثلی، عبدالله بن غالب اسدی، عبیدی کوفی و...

اما در شعر فارسی، قله‌های رفیع‌تری در شعر دینی سر برداشته‌اند و در این نوشتار، انصافاً چون این همه نمی‌گنجد، تنها به ذکر قله‌های رفیع آن می‌پردازیم و مطالعه شعر دیگر شاعران ولایی را به دیوان‌های شعری ارجاع می‌دهیم. از نخستین شاعران دینی ایران شاعر خراسانی، کسایی مروزی است که در قرن چهارم هجری می‌زیسته است.

این اولین شعر، در مدح حضرت علی (ع) است:

**مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر  
بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار**

در همین قرن، دیگر شاعر خراسانی، خداوندگار شعر فارسی، فردوسی طوسی، ضمن حمد و ثنای ذات باری تعالی می‌فرماید:

**درست این سخن گفت پیمبر است  
که من شهر علمم، علی‌ام در است**

و نمونه‌های شعر دیگری که فرصتی برای آوردن آنها نیست. همچنین، دیگر شاعر خراسانی اسدی طوسی که در مدح پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

**ثنا باد بر جان پیغمبرش  
محمد فرستاده بهترش  
که بد بر دین یزدان کلید  
کلید جهان بهر او شد پدید...**

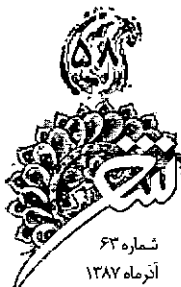
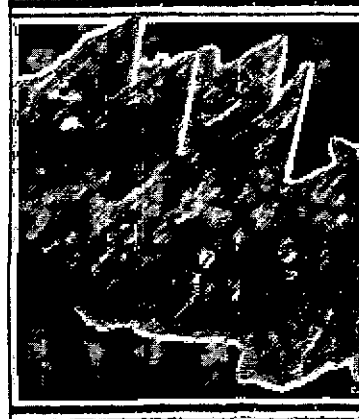
در قرن پنجم، شاعران دیگری چون سنایی غزنوی و ناصر خسرو قبادیانی، مذایح و شعرهای نغری در باب امامان معصوم (ع) دارند. مثنوی نماز حضرت علی (ع) از سنایی است:

**در احد میر حیدر کرار**

**یافت زخمی قوی در آن پیکار...**

و این قصیده که اولین شعر در ستایش علی بن موسی الرضا (ع) در شعر فارسی است:

**دین را حرمی است در خراسان  
دشوار تو را به محشر آسان...**



و قصیده ناصر خسرو با ردیف محمد:

**گزینم قرآن است و دین محمد  
همین بود ازیرا گزین محمد**

نظامی، شاعر قرن ششم، در وصف معراج پیامبر اکرم (ص) آورده است:

ای نقش تو معراج معانی

معراج تو قفل آسمانی

و:

**تخته اول که الف نقش بست**

**بر در محبوبه احمد نشست**

عطار نیز در مدح ختمی مرتبت (ص) فرموده است:

**خواجه دنیا و دین، گنج وفا**

**صدر و بدر هر دو عالم مصطفی...**

یا ترکیب‌بند عبدالرزاق اصفهانی:

**ای از بر سدره شاه‌راحت**

**وی قبه عرش تکیه گاهت...**

و در قرن هفتم، شاعری چون سیف فرغانی در واقعه عاشورا می‌گوید:

**ای قوم! بر این عزا بگریید**

**بر گذشته کربلا بگریید...**

و مدح و ستایش حضرت محمد (ص) در غزل زیبای سعدی شیرازی:

**ماه فرو ماند از جمال محمد**

**سرو نباشد به اعتدال محمد...**

**سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی**

**عشق محمد بس است و آل محمد**

و اشعار نغزی که حضرت مولانا سروده است. از جمله:

**ای علی که جمله عقل و دیدهای**

**شماه‌ای واگو از آنچه دیدهای...**

یا توصیف نبرد حضرت علی (ع) با عمرو بن عبدود که مفصل است.

قرن هشتم و شاعرانی چون ابن‌یمین فریومدی و حافظ شیرازی:

**حافظ! اگر قدم زنی در ره خاندان به‌صدق**

**بدرقه رهت شود همت تسخنة نجف**

در قرن نهم جامی و باباقفانی شیرازی حضور دارند. این شعر در منقبت امام رضا (ع) از باباقفانی است:

**چمن شکفت و جهان پر ز سوسن و سمن است**

**به صد هزار زبان روزگار در سخن است**

**چه جای گلشن عالم؟ که هفت باغ جنان**

**طفیل روضه سلطان دین ابوالحسن است...**

در دوره صفویه، به دلیل توجه پادشاهان صفوی و رسمی شدن دین شیعه شعر ولایی فارسی رونق بیشتری گرفت. از شاعران این دوره می‌توان به شاپور اصفهانی، سروش اصفهانی و وصال شیرازی اشاره کرد.

**به دامت نرسد دست کس که جلوه حسن**

**تو را به بام فلک برد و نردبان نرسید...**

محتشم کاشانی با ترکیب‌بند معروفش:

**باز این چه شورش است که در خلق عالم است**

**باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟**

عمان سامانی که با منظومه معروف گنجینه‌الاسرار در این کهکشان خودنمایی می‌کند:

## کیست این پنهان مرا در جان و تن کز زبان من همی گوید سخن؟

وحشی بافقی، فخرالدین عراقی، کلیم کاشانی، هاتف اصفهانی، یغمای جندقی و محمدتقی بهار و دیگران نیز شاعرانی هستند که در ادامه به شعر مذهبی و ولایی می‌پردازند.

اینها جلوه‌های بارزی از شعر مذهبی فارسی بودند که در این مجال اندک آورده شد، وگرنه بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که تعداد شاعران ولایی و شعرهایی که در این باب آفریده شده‌اند بیش از این‌هاست:

حال به مشخصه‌های غالب این گونه شعری - شعر مذهبی - می‌پردازیم:  
۱. موضوع بخشی از اشعار مذهبی موعظه و پند است. این دسته از اشعار یا بهره‌گیری از آیات و احادیث و بهره‌گیری از سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار، جنبه تعلیمی پیدا کرده‌اند. اگر به درون‌مایه این اشعار بنگریم، اغلب آن‌ها سعی در تثبیت اندیشه‌های ولایی دارند و با ایجاد فضاهایی قدسی، قصد آگاهی بخشی به جامعه دارند.

۲. یکی از مشخصه‌های شعر ولایی، ابزاری بودن آن است. شعر مذهبی ابزاری بوده است برای بیان پاره‌ای اعتقادات و باورهای دینی و اصطلاحات تعهد و مسئولیت روح جاری در این اشعار بوده است.

پیامبر اکرم (ص) به حسان بن ثابت فرمود: «کافران را هجو کن که روح قدسی (روح القدس) با توست.»

۳. شعر مذهبی صبغه سیاسی - اعتراضی هم داشته است. در بسیاری از موارد شعرهای مذهبی به دلیل موضع‌گیری‌های شاعران و حس انتقام‌جویی آن‌ها، رنگ اعتراض به خود گرفته است. این شعرها به دلیل مصیبت‌ها و فشارهایی که بر ائمه اطهار (ع) و شیعیان وارد شده است، اغلب به بغض‌هایی در گلو می‌مانند. خصوصاً شعرهایی که در باب مرثیه سروده شده‌اند در این قاعده جای می‌گیرند. این کینه‌جویی در بعضی موارد به هجو و نفرین عمال کفر نیز انجامیده است.

۴. یکی دیگر از جلوه‌های بارز شعر مذهبی منقبت و مرثیه است. تقریباً تمامی شعرهای مذهبی دارای این دو ویژگی هستند. یعنی یا به ستایش و مدح پیامبر اکرم (ص) و نعت معصومین (ع) پرداخته‌اند و یا در سوگ و تعزیه خاندان رسول (ص) سروده شده‌اند. حتی شعرهایی که هدف آن‌ها آگاهی‌بخشی و تعلیم است، خارج از این قاعده نیستند. بنابراین بیشترین شعرهای مذهبی در موضوع منقبت و مرثیه سروده شده‌اند. «لگر چه همان گونه که طرح و تبیین مواردی چون تقوی، عدالت و... بود اما بعدها این ویژگی در شعر مذهبی رایج شد. شاعران سلف اسلام که در دامان تعلیم اسلام تربیت یافته بودند هرگز به سوی مدح‌گویی - به معنای متعارف - نمی‌گراییدند و آن را مذموم می‌دانستند و از نظر شرع منهدمی. در شعر مذهبی نظر کلی بر نشر مبادی دین بود و احیای حقایق ایمان و زنده کردن دل‌ها و جان‌ها و جاری ساختن خون حماسه و تعهد در رگ‌ها و پی‌ها. از این‌رو شاعران بزرگ شیعی همیشه برای حکومت‌های فاسد خطری بزرگ محسوب می‌شدند. زیرا آنان در خلال مدح آل محمد (ص) حقایق دین و صفات لازم حاکم دینی را یاد می‌کردند و با ذکر صفات اسلامی امامان و مقایسه و تحقیر زمامداران، دل‌ها را به حق و حکومت حق توجه می‌دادند.»

به هر شکل، تکریم شخصیت پیامبر (ص) و ائمه (ع) از ویژگی‌های شعر مذهبی بود که بخش عظیمی از شعر مذهبی را به خود اختصاص دادند. اصلاً یکی از محورهایی که باعث زنده ماندن وقایع و حوادث دینی شده است، سرودن همین شعرهاست و شاید اگر وقایعی چون عاشورا در کلام

شاعران شیعی نمی‌آمد و از زوایای مختلف به این حادثه اشاره نمی‌شد، تا این حدود و در این وسعت در ذهن و جان مردم امروز باقی نمی‌ماند و این چیز کمی نیست.

۵. بهره‌بردن از عنصر موسیقی. بدین معنی که شاعران مذهبی در سرودن اشعار ولایی همواره از عنصر موسیقی (وزن، قافیه و ردیف و موسیقی‌های کرون) نهایت بهره‌را برده‌اند تا بیشترین تأثیر را بر مخاطبان بگذارند.

۶. واقع‌گرایی. یکی دیگر از مشخصه‌های بارز شعر مذهبی، واقع‌گرایی و نقل‌محور بودن این اشعار است. شاعران مذهبی عموماً از عنصر روایت در بیان حوادث استفاده کرده‌اند. البته اشاره مستقیم به وقایعی چون معراج پیامبر اکرم (ص)، ضربت خوردن حضرت علی (ع)، عاشورا، آتش زدن خیمه‌های امام حسین (ع) و... از هنری بودن آثار آنها تا حدی کاسته است. زیرا عموم این شعرها فقط نقل وقایع و ارجاعات تاریخی هستند و نه هیچ چیز دیگر. در صورتی که شاعر، واقعه‌نگار نیست، بلکه نگاهی عاطفی و هنری دارد. در مواردی که این نگاه عاطفی و هنری چاشنی کار شاعر شده‌اند، آثار به‌مراتب شاعرانه‌تر و هنری‌تر شده‌اند، از جمله ترکیب‌بند محتشم کاشانی در رباعی شهدای کربلا.

۷. زبان ساده اشعار. همان‌گونه که اشاره شد، از آنجا که شعرها روایت صرف هستند، زبان به نحو چشمگیری آفت می‌کند. زیرا شعر، زبان معمول

نیست، بلکه زبان هنر است با تمام ویژگی‌هایی که برای آن قائلیم، نه نقل اخبار و وقایع. عامل دیگر این‌که معمولاً مخاطب این اشعار مردم بوده‌اند و از آنجا که شعر جنبه تعلیمی داشته، شاعران زبان خود را تا سطوح عوام، پایین می‌آورده‌اند تا به قول معروف همه‌فهم باشد و همین مسئله باعث آفت هنری آثار می‌شده است. شاید تأثیر شاعران از مداحان، شبیه‌خوانان، نوحه‌خوانان و تعزیه‌گردانان را هم بشود به این دلایل افزود.

۸. یکی از جلوه‌های بارز شعر مذهبی، پررنگ بودن عنصر عاطفه است. از آنجا که هدف شاعران مذهبی زنده نگه داشتن مبانی اسلام بوده است و

در کلام خود به ذکر وقایع، چه به صورت منقبت و چه به صورت مرثیه می‌پرداخته‌اند، همواره سعی در برانگیختن احساسات مردم و هیجان‌آفرینی داشته‌اند و این را هم می‌توان به مشخصه‌های شعر مذهبی افزود.

هدف این نوشتار، کنکاشی پیرامون جلوه‌های شعر مذهبی بود که به صورت گذرا به آنها پرداخته شد. البته شاید همه مشخصات شعر مذهبی نباشد، اما آنچه مهم می‌نماید این است که با مطالعه دقیق این گونه شعری سعی در برپا کردن آن و خلق فضاهای جدید داشته باشیم. آن‌چنان که شاعران ولایی در سال‌های اخیر توانسته‌اند دست به آفرینش‌های هنری بزنند. شعر مذهبی معاصر فارسی خوشبختانه با چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون سیدحسن حسینی، علی معلم، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، سپیده کاشانی و... فضاهای جدیدی را فراروی مخاطبان گشوده است. در شعر مذهبی معاصر از عناصر زبانی نو، عاطفه هنری، خلق تصاویر و ایماژها و ترسیم فضاهای نوین، سمبلیک کردن بعضی روایت‌ها و اختلاط مضامین در کامل کردن اثر و... سود جسته است.

امید است کنگره شعر نبوی و جشنواره‌هایی از این دست بتوانند تفکر مذهبی را بیش از پیش در بین شاعران و مخاطبان آنها اشاعه دهند.

اصلاً یکی از محورهایی که باعث زنده ماندن وقایع و حوادث دینی شده است، سرودن همین شعرهاست و شاید اگر وقایعی چون عاشورا در کلام شاعران شیعی نمی‌آمد و از زوایای مختلف به این حادثه اشاره نمی‌شد، تا این حدود و در این وسعت در ذهن و جان مردم امروز باقی نمی‌ماند و این چیز کمی نیست.

